

دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ

دکتر محمد علی چلونگر*
استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان



چکیده

دیپلماسی، همان‌طور که در لغت‌نامه‌ها آمده است، از واژه‌های «دین» و «سیاست» گرفته شده است. این واژه در لغت‌نامه‌ها به معنای «سیاست» و «دین» آمده است. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود.

این مقاله بر آن استوار است که دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ را از منظر تاریخی و اجتماعی بررسی کند. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود.

با توجه به اهمیت دیپلماسی در دین اسلام، مطالعه دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ می‌تواند به فهم بهتر روابط بین‌المللی در اسلام کمک کند. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود.

در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی دیپلماسی پیامبر اسلام ﷺ در دوران نبوت و خلافت او پرداخته می‌شود.

آنچه امروز به عنوان دیپلماسی در اختیار بشر قرار دارد، پدیده نوپائی نیست. در طول تاریخ اشکال متفاوتی از دیپلماسی - که به حق هنر همزیستی ملل نام گرفته - میان کشورها و حکومتها مشاهده شده است. دیپلماسی، تحولات مختلفی را در بستر تاریخ به خود دیده و قضاوتهای ارزشی گوناگونی در باره آن شده و لذا شاید کمتر واژه‌ای تا این اندازه جامع مفاهیم و جهات متفاوت و بعضاً مغایر، در علوم سیاسی و روابط بین الملل موجه باشد.

اگر چه دیپلماسی در طول تاریخ جوامع و دولتها دستخوش تغییرات مداومی بوده ولی بعضی از اصول و موازین اولیه آن نه تنها هنوز معتبر است، بلکه اجرای آن از طریق دول اجتناب ناپذیر می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان به مصونیت سیاسی دیپلماتها، اشاره کرد. از آنجائی که دستیابی به توافق مستلزم مذاکره مستقیم بین طرفین بود، تضمین جان افراد مذاکره کننده در سرزمین بیگانه ضروری به نظر می‌رسید، بنابراین اصل مصونیت سیاسی و دیپلماتیک دول که هنوز از اصول اساسی روابط سیاسی و دیپلماتیک می‌باشد، سابقه چند هزار ساله دارد. ما در حیات سیاسی رسول الله (ﷺ) نمونه این مصونیت سیاسی را به عنوان یک اقدام دیپلماتیک که پیامبر (ﷺ) خود را پایبند به آن می‌دید، می‌بینیم. ابن اسحاق می‌نویسد: چون فرستاده مسیلمه کذاب به نزد نبی گرامی اسلام (ﷺ) آمد، فرمود: نظر تو راجع به مسیلمه چیست؟ او پاسخ داد همان است که در این نامه نوشته است. پیامبر (ﷺ) فرمود: به خداوند قسم اگر چنان نبود که مرسوم نیست فرستادگان را به قتل برسانند هم اکنون گردنت را می‌زدم. (۱)

حکومتها و رهبران سیاسی دیپلماسی خاصی را در طول حیات سیاسی برای رسیدن به اهداف خود دنبال می‌کنند. رسول مکرم (ﷺ) هم در طول دوران رسالت خود به عنوان رهبر حکومت، دیپلماسی مشخص را دنبال می‌کرد که تبیین آن می‌تواند در عملکرد ما در جهان معاصر مورد استفاده قرار گیرد. انتظار نسل انقلاب اسلامی این است که در دوران رویکرد جهان به اندیشه اسلام، اندیشه انقلاب اسلامی برای وی تبیین و عرضه گردد، یکی از اهداف انقلاب فرهنگی نیز این بوده و هست که



تا اندیشه اسلام در زمینه‌های مختلف علوم انسانی استخراج و ارائه گردد. تبیین الگوهای رفتاری اسلام که عالی‌ترین شکل آن در سیره پیامبر اسلام (ﷺ) تجلی دارد، تا حدودی این آشنایی را فراهم می‌سازد. نگاه از زوایای مختلف علوم انسانی به زندگی نبی مکرم اسلام (ﷺ) که اسوه حسنه است، شاخص‌هایی را در هر زمینه حاکمیت از جمله دیپلماسی به ما نشان خواهد داد. شرایط کنونی جهان و انقلاب اسلامی تکلیف معرفی سیره رسول الله را بر دوش تمام کسانی که به نحوی در اندیشه اسلام به تحقیق و تتبع پرداخته‌اند می‌گذارد.

این مقاله با نگاهی نو در صدد معرفی دیپلماسی پیامبر (ﷺ) به عنوان الگوی عملی در دو بخش می‌باشد:

الف - اهداف دیپلماسی رسول الله (ﷺ)

ب - ابزارها و شیوه‌های دیپلماسی رسول الله (ﷺ)

تعریف دیپلماسی:

قبل از بررسی دیپلماسی حضرت محمد (ﷺ) لازم است مفهوم دیپلماسی مشخص گردد.

دیپلماسی واژه‌ای است بیگانه و دارای ریشه یونانی *diplama* (۲) است که چون در اکثر زبانهای زنده دنیا، ما بازاء جامع و مانعی برای آن وجود ندارد، به همان شکل اصلی بکار می‌رود.

لغت دیپلماسی برای رساندن مقاصد مختلفی بکار رفته است. مفاهیم «سیاست خارجی و اداره آن» (۳)، «علم سیاست» (۴)، «قواعد روابط بین دولتها» (۵)، «اسم جمع برای کارگران سیاست خارجی» (۶)، «فن سازماندهی و به‌کارگیری روابط میان کشورها» (۷)، «هنر ارتباط با مردم به شیوه‌ای که مقصود با آرامش حاصل شود» (۸)، «مهارت در سر و کار داشتن با مسائل بدون تحریک دشمنی دیگران» (۹)، معانی شایع مستفاد از کلمه دیپلماسی هستند.

اگر بخواهیم تعریف مشخصی از دیپلماسی مورد نظر خود را بدست داده باشیم می‌توانیم بگوییم: دیپلماسی عبارت است از مجموعه‌ای از تدابیر و اعمال که دولتها به

شیوه مسالمت آمیز برای اجرای سیاست خارجی، حفظ منافع ملی و دستیابی به تفاهم در صحنه روابط بین الملل بکار می گیرند.

در تعریف کلی دیپلماسی سه نکته اصولی به شرح زیر نهفته است:

الف: دیپلماسی در امور مربوط به سیاست خارجی دولت است و نه داخلی، گو اینکه ممکن است آئینه تمام نمای بافت سیاست داخلی باشد.

ب: دیپلماسی بوسیله گفتگو، مذاکره و مصالحه یعنی به طریق مسالمت آمیز انجام می شود و در شرایط متعارف، زور در آن راه ندارد ولی از زور و قدرت ممکن است برای ایجاد فشار غیر مستقیم بهره گیری شود.

ج: دیپلماسی فقط شیوه و روشی است برای حصول نتیجه و رسیدن به اهداف مورد نظر دولت.

تعاریف فوق از دیپلماسی در اصول کلی قابل تطبیق با همه جوامع و در همه زمانها، از جمله جامعه شبه جزیره عربستان در عهد رسول الله (ﷺ) می باشد. آنچه مهم و قابل بررسی است، تفاوت شیوه های اجرای دیپلماسی پیامبر (ﷺ) و دیگر حکام در طول تاریخ است.

اهداف دیپلماسی پیامبر اسلام (ﷺ):

اهداف دیپلماسی نبی گرامی اسلام (ﷺ) را در شبه جزیره و خارج از آن را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- حفظ و حراست از جامعه خودی

هدف اولیه از برقراری هرگونه روابط دیپلماتیک در جوامع، حفظ و حراست از جامعه خودی است. (۱۰) رسول اکرم (ﷺ) برای حفظ جامعه مسلمانان در عصر رسالت این هدف را به نحو مطلوب انجام دادند.

رسول الله (ﷺ) به منظور حفظ جامعه مسلمانان در محیط شرک آلود مکه در سال پنجم بعثت دستور مهاجرت گروهی از مسلمانان را به حبشه دادند. به اعتقاد مورخان از علل مهم این مهاجرت، حفظ مسلمانان از دست قریش مشرک بود. قریشی که می کوشید تا به هر طریقی شده آنها را از دین توحید بازگرداند. (۱۱) زُهری گوید:



«زمانی که شمار مسلمانان فزونی گرفت و ایمان آوردن به اسلام آشکار شد و شماری از قبایل به تعذیب و حبس مسلمانان پرداختند تا آنان را از دیشان بازگردانند، رسول خدا (ﷺ) به آنان فرمود: در زمین پراکنده شوید، سؤال کردند که به کجا برویم؟ آن حضرت به حبشه اشاره کرد و پس از آن بود که عده‌ای از مسلمانان همراه خانواده یا بدون خانواده به حبشه هجرت کردند.» (۱۲)

پیامبر (ﷺ) همچنین به منظور حفظ جامعه خودی و گسترش دعوت اسلام با اهل یثرب ارتباط برقرار کرد و در پی چند دیدار زمینه هجرت به آن شهر را فراهم کرد. پیامبر (ﷺ) احساس می‌کرد با باقی ماندن در مکه امکان حفظ جمع موجود مسلمانان وجود ندارد. او می‌دید که فشار و آزار مشرکان روز به روز بیشتر می‌شود، (۱۳) لذا در برابر درخواست یارانش که می‌خواستند برای حفظ جامعه خود به نقطه‌ای خارج از مکه مهاجرت کنند اجازه مهاجرت به یثرب را به آنان داد. (۱۴)

۲- حراست از امنیت و استقلال جامعه اسلامی

مهمترین و اساسی‌ترین منافع‌ی که هر کشور ناگزیر از حراست آن است، امنیت و استقلال آن جامعه است.

نبی‌گرامی (ﷺ) پس از هجرت در صدد تشکیل نظامی بر پایه ایدئولوژی اسلام برآمدند و چنین نظامی را در مدینه تشکیل دادند، رسول الله (ﷺ) برای حفظ استقلال و امنیت جامعه اسلامی دیپلماسی دقیق و ظریفی را بکار بردند. آن حضرت سعی می‌کرد در کنار جنگ و جهاد از دیپلماسی به عنوان یک وسیله در جهت حفظ امنیت و استقلال جامعه استفاده کند.

دیپلماسی رسول‌گرامی اسلام (ﷺ) برای حفظ امنیت‌ها و استقلال جامعه از دست قریش مشرک که کمر به نابودی جامعه نوپای اسلامی بسته بود، استفاده کردن از شیوه‌ها و روشهای متعددی بود. از جمله آن شیوه‌ها انعقاد پیمانهای سیاسی با قدرت‌های بی طرف بود. این سیاست مستلزم این بود که پیامبر (ﷺ) حتی الامکان از ایجاد تنش با قدرت‌های کوچک و بزرگ و بیطرف پرهیزد که این پرهیز از تنش، گاه با نمایش قدرت و گاه با صلح و بود.

پیامبر برای ایجاد امنیت در مدینه با یک دیپلماسی فعال از یک سو مانع

همبستگی غیر مسلمانان مدینه با قریش شد و از سوی دیگر تلاش نمود تا از آنان که هنوز اسلام نیاورده‌اند به عنوان متحدین خویش در برابر قریش استفاده نماید. در بدو ورود به مدینه، پیامبر (ﷺ) متوجه یهود مدینه شد. یهودیان اگر چه بیطرف بودند اما همراهی آنان با مشرکان قریش می‌توانست خطرات بزرگی برای امنیت و استقلال حکومت جدید التأسیس مدینه را بدنبال داشته باشد، لذا سعی نمود تا از آنان به عنوان متحد با مسلمانان استفاده شود. لذا در پیمان نامه مدینه عباراتی اینگونه مشاهده میشود که:

«هر کس که از یهودیان از ما پیروی کند نسبت به او نیکی و یاری خواهد شد و با ما در زندگی مساوی خواهد بود و بر آنان ستم نخواهد شد و بر ضد ایشان کسی را یاری نخواهد داد. (۱۵)

این گونه پیمانها می‌توانست کمک مهمی به حفظ امنیت و استقلال دولت جدید التأسیس باشد.

۳- استفاده از اهرمهای اقتصادی برای حفظ منافع جامعه اسلامی

عوامل اقتصادی از ابزار مهمی در دست پیامبر اسلام (ﷺ) در صحنه دیپلماسی خارجی بود. یکی از اهرمهای نبی مکرم اسلام (ﷺ) در مقابله دشمن مشرک قریش، فشار اقتصادی بود. نا امن کردن راههای تجاری قریش و محاصره اقتصادی، نظامی دشمن از جمله این فشارها است. اولین جنگهای پیامبر اعمال فشار اقتصادی بر دشمن را به همراه داشت. غزوه و دان (۱۶) نخستین حرکت نظامی پیامبر ﷺ در تعقیب کاروان تجاری قریش بود. سریه‌های «عبیده بن حارث» (۱۷)، «حمزه بن عبدالمطلب» (۱۸)، «سعد بن ابی وقاص» (۱۹) و نیز غزوات بواط (۲۰) و عثیره (۲۱) و بدر همه در تعقیب کاروانهای تجاری قریش و به منظور نا امن کردن راههای تجاری آنها بوده است.

حملات مسلمانان به کاروانهای تجاری قریش از دو جهت دارای اهمیت بود، یکی اینکه توان مالی مسلمانان را تقویت می‌نمود و دیگر اینکه به دشمن صدمات اقتصادی شدیدی می‌زد. برای مکه که مهمترین درآمدش از راه بازرگانی حاصل می‌شد ناامنی راه شام و غنیمت درآمدن کاروانها، ضربه بزرگی بود.





در واقع استراتژی که علیه مکه به کار گرفته شد، عبارت بود از تحلیل بردن و تضعیف توان دشمن از طریق اختناق اقتصادی و ایجاد اختلال روانی تا بدین ترتیب قریش را از نظر اقتصادی متزلزل کنند و روحیه آنان را خرد نمایند.

رسول گرامی اسلام (ﷺ) استراتژی تسلیم ساختن قریش را از طریق مختل کردن مسیر کاروان آنها به شام در پیش گرفت که بیشتر جنبه لجستیکی داشت. شماری از مأموریت‌ها بدون خونریزی به پایان رسید. تا قبل از آن در تاریخ جنگ‌ها هیچگاه آن مقدار پیروزی با صرف حداقل تلاش ممکن به دست نیامده بود و پس از آن نیز چنین وضعی تکرار نشده است.

پروفسور محمد حمید الله پیرامون استراتژی حضرت رسول (ﷺ)، می‌گوید: حضرت محمد (ﷺ) همواره غلبه و چیره‌گی یافتن بر دشمن و نه نابود کردن آن را به عنوان یک سیاست کلی و یک اصل ترجیح می‌داد. برای نیل به این هدف از دو طریق عمل می‌کرد. وارد آوردن فشار اقتصادی بر قریش، و نیز افزایش مدام توان نظامی خود بر اساس یک سیاست دراز مدت. هر زمان که دشمن توان مقاومت را نداشت و هدف بدون خونریزی فراهم می‌آمد، آن حضرت در زمان مناسب، وارد عمل می‌شد. منابع و انرژی بدست آمده از دشمن می‌توانست بر توان و قدرت دولت اسلامی بیافزاید (۲۲).

حمله به کاروانهای تجاری قریش حرکتی مشروع در جهت اعاده اموال از دست رفته مسلمانان و حفظ حکومت جدید التأسیس بود و نمی‌توان آن را با حمله‌های غارتگرانه یکسان شمرد. به گفته پروفسور محمد حمید الله: حمله بر کاروان قریش نباید غارتی ساده تلقی شود. بین دولت و حق تعرض و ابراز خصومت، و از آن جمله تعرض به حیات و اموال و سایر منافع و مصالح دشمن از طرف هر دولت در حالت جنگ امری مسلم و طبیعی است.

«بدین جهت است که من با یک عده افراد کم جرأت و کسانی که عذر تراشی می‌کنند و می‌کوشند به طور کلی وجود تجهیزات و اعزام قوای جنگی را به منظور تسخیر و تصرف کاروان قریش تکذیب کنند، موافق نیستم» (۲۳).

۴- اشاعه فرهنگ و توسعه آداب و سنن اسلامی از طریق دیپلماسی

دیپلماسی رسالت‌هایی نظیر اشاعه فرهنگ و آداب و سنن و روش زندگی کشور خودی را زیر بال و پر خود می‌گیرد. به این امید که شاید به این طریق کسب حیثیت و اعتباری برای ارزشهای ملی و باز شناساندن آن به خارجیان، جهت درک و تفاهم متقابل، بیشتر حاصل گردد.

پیامبر اسلام برای اشاعه و توسعه فرهنگ اسلامی در شبه جزیره و بلاد اطراف اقدامات دیپلماتیک مختلفی را در پیش گرفتند که از جمله می‌توان به:

الف - ارسال مبلغ و نماینده در قبایل

ب - ارسال سفیر و نماینده به کشورهای اطراف و قدرتهای بزرگ جهانی

ج - پذیرش نماینده و هیأت‌های سیاسی

اشاره کرد که در قسمت ابزارهای دیپلماسی رسول الله (ﷺ) به طور مفصل مورد

بحث قرار می‌گیرد.

۵- ایجاد اتحاد و اتفاق در شبه جزیره

از اهداف مهم دیپلماسی نبی گرامی اسلام (ﷺ) ایجاد اتحاد و اتفاق در جامعه متفرق شبه جزیره حول محور توحید بود. رسول الله (ﷺ) با انجام پیمانها و قراردادهایی ابتدا مسلمانان را متحد ساخت و سپس با تدابیر حکیمانه سیاسی کلیه قبایل و دستجات موجود در شبه جزیره را تحت لوای توحید، متحد ساخت. زمینه ایجاد اتحاد و اتفاق در کل جزیره العرب بدنال فتح مکه بوجود آمد. در اثر دیپلماسی پیامبر (ﷺ) برای اولین بار در طول تاریخ، شبه جزیره متحد و تحت رهبری واحد رسول الله (ﷺ) در آمد.

ابزارها و روشهای دیپلماسی پیامبر:

نبی گرامی اسلام (ﷺ) در دیپلماسی خود برای اشاعه مقاصد الهی و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و همچنین حفظ استقلال و منافع اسلامی، روشهای نوینی داشتند که اکنون هم در دیپلماسی معاصر معمول است. مهمترین ابزارها و روشهای دیپلماسی پیامبر (ﷺ) عبارت بودند از:

۱-۱- نوشتن نامه و پیام سیاسی و مذهبی:

در طول رسالت رسول اکرم (ﷺ) بخصوص در مدینه با انبوهی از نامه و پیامهای سیاسی و مذهبی برای سران قبائل و طوایف و دستجات و حکومتها برخورد می‌کنیم. از نمونه‌های این نامه‌ها و پیام‌ها می‌توان به نامه حضرت رسول (ﷺ) ابوسفیان در جنگ احزاب (۲۴) نامه به ثمامه بن اثال حنفی (۲۵)، نامه به یهودیان خیبر (۲۶) و... اشاره کرد.

توجه رسول الله (ﷺ) به دیپلماسی مرسوم آن زمان و استفاده از آن در قالب صحیح، به پیشبرد دعوت پیامبر کمک شایانی نمود. نبی‌گرامی اسلام (ﷺ) برای برخورداری از یک دیپلماسی فعال تمامی امکانات آن را فراهم نمود. به عنوان مثال چون برای پیامبر (ﷺ) نامه‌ای به زبان سریانی رسید، رسول الله (ﷺ) به زید بن ثابت دستور داد تا آن زبان را به خوبی یاد بگیرد و از زید بن ثابت به عنوان مترجم حضرت محمد (ﷺ) که به زبانهای فارسی، رومی، قبطی و حبشی آشنایی داشت نام برده شده است. وی کسی بود که نامه‌های رسول الله (ﷺ) را به پادشاهان وقت می‌نوشت و یا نامه‌های آنان را برای نبی‌گرامی اسلام (ﷺ) ترجمه می‌کرد. (۲۷)

۱-۲- ارسال سفیر و نماینده

رسول گرامی اسلام (ﷺ) از ارسال سفیر و نماینده سیاسی بعنوان یک ابزار مهم دیپلماسی برای پیشبرد سیاست خارجی خود استفاده کرد. در طول حیات رسالت مکی و مدنی سفراء و نمایندگان متعددی به داخل و خارج شبه جزیره فرستاد. برقراری ارتباط با حکومت حبشه نخستین ارتباط پیامبر (ﷺ) با خارج از شبه جزیره عربستان می‌باشد که رسول مکرم اسلام (ﷺ) سعی می‌نماید با استفاده از امکانات و امنیت خارج از شبه جزیره، راه را برای رسیدن به اهداف بلندمدت خویش هموار نماید. شناسایی یاران نبی‌گرامی اسلام (ﷺ) توسط نجاشی (۲۸) می‌توان شبیه به شناسایی موقت (دوفاکتو) که امروزه در جهان مرسوم است دانست. دیپلماسی فعال ارسال سفیر و نامه به نزد فرمانروایان و حکام داخل و خارج شبه جزیره از پایان سال ششم آغاز گردید. در پایان سال ششم هجری و پس از



امضای صلح حدیبیه، رسول الله (ﷺ) بر آن شد که مرحله دیگری از تلاشهای حکومت مدینه را در راستای تحقق هدفهای اعتقادی، سیاسی و نظامی آغاز کند. قبل از صلح حدیبیه و پیش از آنکه قریش - قدرتمندترین و مشهورترین قبیله عرب - به شناسایی حکومت رسول گرامی اسلام (ﷺ) ناچار گردد، این تلاش فاقد زمینه‌های سیاسی و نظامی بود. با انجام صلح حدیبیه قبایل عرب و حکام محلی عربستان دیگر نمی‌توانستند، به حکومت مدینه به عنوان قدرتی بنگرند که در محاسبات و معادلات سیاسی و نظامی قابل اعتنا نیست.

حضرت محمد (ﷺ) بعد از صلح حدیبیه سفیرانی به شرح زیر به حکام مختلف داخل و خارج شبه جزیره فرستاد.

- ۱ - دحیه بن خلیفه الکلبی به سوی روم. (۲۹)
- ۲ - عبدالله بن حذافه السهمی به طرف ایران. (۳۰)
- ۳ - حاطب بن ابی بلتعنه به سوی مقوقس حاکم حاکم اسکندریه. (۳۱)
- ۴ - شجاع بن وهب الاسدی به جانب حارث بن شمر الغسانی. (۳۲)
- ۵ - فروه بن عمر الجذامی، به سوی عامل قیصر روم در عمان. (۳۳)
- ۶ - سلیط بن عمرو العامری به جانب هوذه بن علی الحنفی حاکم یمامه. (۳۴)
- ۷ - عمرو بن امیه ضمیری به سوی نجاشی پادشاه حبشه (۳۵)
- ۸ - علاء بن حضومی به سوی حاکم بحرین (۳۶)

علی الظاهر ارسال این سفرا و جنبه دینی داشت، زیرا شهر یاران و پادشاهان را به قبول اسلام دعوت می‌کردند. در عین حال این فرستادگان نمایندگان سیاسی بودند که با دعوت به دین اسلام، آنها را به قبول فرمانبرداری حکومت اسلامی در مدینه می‌خواندند و این امر، یک دعوت سیاسی بود.

نامه‌های پیامبر (ﷺ) به فرمانروایان ایران، روم و غسانیان اگر چه با پاسخ مساعدی مواجه نشد، اما این کوشش در واقع به تعمیق و تثبیت پایه‌های اقتدار حکومت انجامید و قدرتهای محلی را بر آن داشت که دعوت مدینه را به پذیرش اسلام، یا اتحاد سیاسی و نظامی جدی گرفته در تنظیم روابط خود با قدرتی که اینک از اقتدار خیره‌کننده‌ای برخوردار بود به سرعت گام بردارند.





۳- پذیرش هیأت‌های نمایندگی قبائل و دستجات و حکام:

با فتح مکه که مهمترین پایگاه مخالفین رسول الله (ﷺ) بود، قبائل متعدد عرب در سراسر شبه جزیره احساس کردند مقاومت در برابر حکومت مدینه، امکان پذیر نیست. اعراب مجبور شدند راه عناد و مقاومت در مقابل آئین اسلام را وانهند و قدم در راه تسلیم گذارند. به همین دلیل بود که در سال نهم نمایندگان متعددی از سراسر شبه جزیره وارد مدینه شدند و با ترک بت پرستی و شرک در حلقه مسلمانان درآمدند. حضور قریب یکصد قبیله در مدینه و گرویدن آنها به اسلام، آشکارا از گسترده‌گرایش اعراب به اسلام در آخرین سال حیات پیامبر (ﷺ) حکایت دارد (۳۷). این قبیله‌ها و وفدها، گاه نمایندگان واحدهایی بسیار کوچک در جامعه عربی بودند و گاه نماینده بزرگترین و مقتدرترین واحدهای قبیله‌ای.

رسول الله (ﷺ) برای جذب هیأت‌ها، شیوه مخصوصی را در برخورد با اینان در پیش می‌گرفتند. پیامبر (ﷺ) به رؤسای قبائل که صاحب نفوذان قوم و قبیله خویش بوده و در خصلتهای انسانی برگزیدگان قبیله بودند، احترام می‌گذاشتند. این هیأت‌ها معمولاً شامل همین رؤسای قبیله می‌شد. آنان چند روزی را که در مدینه می‌ماندند، مهمان پیامبر اسلام (ﷺ) بودند. در هنگام رفتن نیز، نبی گرامی اسلام ﷺ هدایایی که گاه از طلا و نقره و سیم بود به آنان تقدیم می‌کرد (۳۸). این احترام سبب می‌شد تا به پیامبر (ﷺ) علاقه مند شوند. کافی بود رئیس یک قبیله اسلام را بپذیرد. به دنبال آن گاه تمام افراد قبیله اسلام را می‌پذیرفتند برخی از قبائل چندان مورد لطف پیامبر اسلام (ﷺ) قرار می‌گرفتند که مرتعی به آنان واگذار می‌گردید (۳۹). طبیعی بود که پس از آن هیچ کس حق تجاوز به مرتع آنان را نداشت.

بعضی وفدها شروطی را برای پذیرش اسلام مطرح می‌کردند. رسول گرامی اسلام (ﷺ) از پذیرش شروطی که اصول اساسی آئین توحید را زیر سؤال می‌برد شدیداً خودداری می‌کرد. وفد ثقیف از جمله نمایندگان قبائل عرب حجاز محسوب می‌شدند که بسیار می‌کوشیدند تا برای استمرار بت پرستی امتیازهایی نیز از پیامبر اسلام (ﷺ) بگیرند. اما پیامبر با هیچکدام از دو شرط آن موافقت نکرد. استمرار بت پرستی در سه سال و عدم تقید به اقامه نماز دو شرط ثقیف برای تسلیم به دولت مدینه

بود. وقتی وفد ثقیف بر این دو خواسته خویش اصرار ورزیدند، پیامبر پاسخ داد که نه تنها برای سه سال، بلکه حاضر نیست حتی یک ماه هم به آنها در استمرار بت پرستی فرصت دهد. در مورد نماز هم حضرت رسول (ﷺ) به صراحت اعلام داشت که «در دینی که نماز در آن نباشد، هیچ خیری نیست» (۴۰)، مواضع قاطع رسول الله (ﷺ) در مقابل ثقیف باعث شد تا آنان ناگزیر سر اطاعت فرود آورند و تنها از نبی گرامی اسلام (ﷺ) بخواهند که افراد دیگری جز خود آنان را برای تخریب بتخانه نفرستند. رسول گرامی اسلام (ﷺ) این درخواست را پذیرفت و مأموریت شکستن بتهای طائف را به ابوسفیان بن حرب و مغیره بن شعبه واگذار کرد (۴۱). مغیره خود از مسلمانان ثقیف بود و عزیمت او به همراه ابوسفیان برای شکستن بتها اقدامی بود که با هوشیاری کامل انجام شد. حضور مغیره در طائف و برخورداری او از حمایت عشیره اش امکان هرگونه خطر را خنثی می کرد و همراهی ابوسفیان با او، پیام خاتمه همه مقاومت اشرافیت مکه را در پایبندی به بت پرستی داشت. بی گمان وقتی در جامعه عربی آن روز، این خبر پراکنده می شد که استوارترین دشمن مسلمانان شد، بلکه برای تخریب بتهای مهمترین بتکده عرب نیز مأموریت یافته است، آخرین مقاومت های ذهنی نیز می شکست و مشرکین باقی مانده را به تسلیم می کشاند.

۴- انعقاد پیمانها و قراردادهای سیاسی:

رسول الله (ﷺ) در دوران رسالتش دهها پیمان و قرارداد سیاسی با قبائل دستجات و حکام منعقد کرد. پیامبر (ﷺ) از این پیمانها و قراردادهای سیاسی، بعنوان ابزار دیپلماسی برای پیشبرد سیاست خارجی خود استفاده کرد. (۴۲)

تعدادی از این قراردادها با یهودیان و تعدادی با مشرکین عرب بود.

پس از مهاجرت مسلمانان مکی به مدینه، مسلمانان مدینه به یاری مهاجرین شتافتند و مسأله استقرار آنان تا حدودی حل و فصل شد، اما زندگی آرام تمام مسلمانان، اعم از مهاجر و انصار و نیز برقراری تعامل سیاسی و اجتماعی میان تمام اعضای جامعه یعنی مسلمانان، مشرکین و یهودیان نیازمند تدابیری جدی تری بود. تدبیر نبی اکرم (ﷺ) برای تحقق اهداف فوق پیمان نامه عمومی مدینه بود.



نگاهی به اهم اصولی که از لابلای مندرجات این پیمان نامه بدست می آید، می تواند موضع گیری روشن بینانه، واقع گرایانه و عادلانه رسول الله (ﷺ) را در نوشتن قانون و رعایت حقوق اعضاء جامعه روشن کند. توافق ها و قواعد رفتار سیاسی اعضاء که امت واحده نامیده شده اند، اصول و مقررات و وظایف گروهها، مواضع معین سیاسی - نظامی در مقابل دشمن، قواعد مربوط به هم پیمانی با اعضاء خارج جامعه و مقررات پرداخت دیه مقتولین و تدارک مالی جنگ ها از جمله اصول و محورهای این منشور اساسی مکتوب و مدون است. (۴۳)

در واقع این پیمان نامه در حکم یک منشور اساسی خود برای اجتماع مدینه بود که حدود اجتماعی و حقوق افراد، گروهها، طبقات جامعه و اقلیت ها و سیاست داخلی و خارجی و بسیاری از مسایل مربوط به حاکمیت یک دولت در آن مشخص شده بود. رسول مکرم اسلام (ﷺ) در طرح منشور اساسی خود برای پی ریزی یک نظام اسلامی در مدینه، اصول اساسی و هدفهای بنیادی اسلام را در نظر داشت. این پیمان نامه در عین حال که از مقتضیات شرایط اجتماعی مدینه و هدفهای اصلی اسلام را هم در بر دارد. پیمان نامه در استحکام و استقرار اسلام در مدینه و فراهم کردن شرایط لازم برای رشد و تکامل آن و فرصت برای تهیه مقدمات جنگ مسلحانه علیه دشمن اصلی یعنی مکیان نقش بسیار اساسی و مؤثر داشت.

رسول گرامی اسلام (ﷺ) در این پیمان نامه حقوق اقلیت یهود را به رسمیت شناخت و تا موقعی که یهودیان پای بند به تعهدات بودند، حضرت محمد (ﷺ) هم خود را متعهد به رعایت حقوق آنان می دید ولی وقتی یهودیان از تعهدات شانه خالی کردند و به پیمان شکنی روی آوردند، نسبت به آنان شدت عمل نشان داد.

یهود بنی قینقاع و بنی نضیر علی رغم پیمان مودت که با رسول گرامی اسلام (ﷺ) داشتند از سال دوم هجرت تدریجاً در حوزه فرهنگی، فکری، سیاسی و نظامی راه نقض پیمان را در پیش گرفتند (۴۴). یهودیان بنی قریظه هم با شکست پیمان در شرایط دشوار و بحرانی جنگ، از درون مدینه آماده هجوم به مسلمین شدند (۴۵).

دیپلماسی فعال پیامبر (ﷺ) موجب شد یهودیانی که تصور می کردند، می توانند با اقدامات خود، رسول الله (ﷺ) را در تنگنا قرار دهند خود در تنگنا

قرار گیرند و موقعیت و اعتبار خود را در شبه جزیره از دست بدهند و تا پایان حیات و نبی گرامی اسلام (ﷺ) اکثریت آنان مجبور به ترک شبه جزیره گردند.

رسول الله (ﷺ) همچنین برای جلوگیری از جنگ و پیشبرد اهداف خود از طریق دیپلماسی، پیمان نامه‌های متعددی با مشرکین عرب منعقد کرد که نشانگر پایبندی و اطلاع پیامبر (ﷺ) به اصول صحیح دیپلماسی است. مهمترین این پیمان نامه‌ها، عهدنامه حدیبیه است (۴۶).

عهد نامه حدیبیه، بی گمان اقدامی از پیش طراحی شده بود که توسط نبی مکرم اسلام (ﷺ) و با آگاهی و اعتقاد به کارکردهای مثبت آتی آن، قدم به قدم به مرحله اجرا در آمد. در تمام مراحل حرکت پیامبر از مدینه به سوی مکه به خوبی و روشنی می توان از اعتقاد رسول اکرم (ﷺ) به عدم برخورد با قریش و دست یافتن به توافقی با قریش آگاه شد. بی شک اگر پیامبر حتی احتمال ضعیفی به واکنش نظامی قریش می داد، تعدادی از یاران خود را بی سلاح و امکانات جنگی به کام قریش نمی برد. تعدادی از یاران و اصحاب پیامبر (ﷺ) بر این اعتقاد و آینده نگری و دیپلماسی هوشمندانه پیشوای خویش وقوف نداشتند و طبعاً توانایی تحلیل این اقدام را نداشتند و نمی توانستند سیاست رسول الله (ﷺ) را در تمایل به صلح و گفتگو با قریش درست دریابند.

عهدنامه حدیبیه و دهها پیمان نامه دیگر با قبائل و حکام نشان دهنده دیپلماسی هوشمندانه پیامبر ﷺ در دنیایی است که مهمترین ابزار پیشبرد اهداف را، جنگ می دانستند.

نتیجه:

دیپلماسی به مفهوم تنظیم و اجرای سیاست خارجی و برقرای روابط با دیگر جوامع مورد توجه پیامبر اسلام بوده است.

با توجه به این برداشت از مفهوم دیپلماسی، پیامبر اسلام (ﷺ) پس از دعوت عمومی و تشکیل جامعه نو بنیاد اسلامی در شبه جزیره، دیپلماسی خود را در سه بخش تنظیم نمودند و به عنوان ابزاری قدرتمند در پیشبرد اهداف و توسعه جامعه اسلامی از

آن استفاده کردند.

الف) تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای سیاست خارجی

ب) برقراری روابط با قدرتهای داخل شبه جزیره (قبائل پراکنده و تقریباً مستقل)

ج) برقراری روابط با قدرتهای خارج شبه جزیره (دولتهای وابسته و امپراطوریهها)

پیامبر ﷺ از ابتدای بعثت اقدام به تربیت نیرو و مبلغ آشنا با فرهنگ اسلامی و قرآن نمودند و آنان را با اصول سیاسی و تبلیغ آشنا نمود.

تدوین و تنظیم سیاست خارجی پیامبر (ﷺ) بر اساس قانون اساسی جامعه اسلامی (قرآن) بوده است.

دیپلماسی رسول الله (ﷺ) اهدافی را دنبال می‌کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- حفظ و حراست از جامعه اسلامی
 - ۲- حراست از امنیت و استقلال جامعه اسلامی
 - ۳- اشاعه فرهنگ و توسعه اسلام
 - ۴- تأثیرگذاری بر دیگر جوامع و اعمال قدرت
 - ۵- استفاده از اهرمهای اقتصادی برای حفظ منافع جامعه اسلامی
 - ۶- ایجاد اتفاق و اتحاد در شبه جزیره
- حضرت رسول (ﷺ) برای رسیدن به اهداف فوق الذکر از طریق دیپلماسی، از

ابزارها و روشهایی مثل

- ۱- مذاکرات سیاسی
- ۲- ارسال سفیر
- ۳- پیمان نامه و قرارداد
- ۴- ارسال هیأت‌های نمایندگی و مبلغ
- ۵- پذیرش هیأت‌های قبائل و حکام

استفاده نمودند. در اثر این دیپلماسی در آستانه وفات نبی گرامی اسلام ﷺ برای



اولین بار تشکیل حکومت واحد در سراسر شبه جزیره بر سرزمین وسیعی در شمال از ایله تا تبوک و دومة الجندل و در جنوب از یمن تا عمان و بحرین تحقق یافت و زمینه برای گسترش اسلام به خارج از مرزهای شبه جزیره فراهم شد که این مهم بعد از پیامبر (ﷺ) در زمان خلفاء راشدین تحقق یافت.

پی نوشتها:

- ۱- عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، مطبعة مصطفی البابى الحلبي، قاهره، ۱۳۵۵ هـ / ۱۹۳۶ م جلد ۴، ص ۲۴۷.
- 2- Encyclopaedia Britannica, University Of Chicago , 1973, vol 7 , P.472
- ۳- محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات رشديه، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۳۹.
- ۴- فرهنگ فارسی معین، ذیل کلمه دیپلماسی.
- ۵- همان
- ۶- سید علی اصغر کاظمی، مدیریت بحرانهای بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۲۲.
- ۷- فرهنگ فارسی عمید، ذیل کلمه دیپلماسی
- 8 - Oxford Advanced Learner s Dictionry, Of Current English, Oxford, 1984,p.242.
- 9 - Wadster,New Collegiate Dictionary, Merriam Company , U.S.S , 1988,p.322.
- ۱۰- سید علی اصغر کاظمی، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین الملل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۸.
- ۱۱- ابن هشام، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۴.
- ۱۲- محمد بن سعد، طبقات الکبری، دار بیروت، ۱۴۰۵، جلد ۱، ص ۲۰۴-۲۰۳.
- ۱۳- ابن هشام، پیشین، جلد ۲، ص ۱۲۰-۱۱۲.
- ۱۴- ابو جعفر محمد بن جریر الطبری، مؤسسه الاعلمی لمطبوعات، بیروت، بی تا، جلد ۱، ص ۹۶-۹۷.
- ۱۵- ابن هشام، پیشین، جلد ۲، ص ۱۵۰-۱۴۷: رک، علی بن حسین علی الاحمدی، مکاتیب الرسول، دار صعب، بیروت، بی تا، جلد ۱، ص ۲۶۲-۲۴۲.
- ۱۶- همان، ص ۲۴۱.

۱۷- همان

۱۸- همان، ص ۲۴۵، محمد بن عمر واقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، مؤسسه الاعملی

المطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹، جلد ۱، ص ۹.

۱۹- واقدی، پیشین، ص ۱۱.

۲۰- همان، ص ۱۱-۱۲.

۲۱- همان، ص ۱۲-۱۳.

۲۲- به نقل از س عبدالکریم، تجاوز و دفاع در تاریخ اسلام، در مجموعه مقالات بازشناسی

جنبه‌های تجاوز و دفاع، ناشر کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، تهران، ۱۳۶۷، جلد ۱، ص

۱۶۱-۱۶۰.

۲۳- محمد حمیدالله، رسول اکرم در میدان جنگ، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، انتشارات

محمدی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۲.

۲۴- واقدی، پیشین، ج ۲ ص ۴۹۲-۴۹۳.

۲۵- ابن هشام، پیشین ج ۴، ص ۲۱۷، شهاب الدین احمد بن حجر العسقلانی: الاصابه فی تمییز

الصحابه، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا، جلد ۱، ص ۲۰۴.

۲۶- ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲۷- عبدالحی الكتانی، نظام الحکومه النبویه المسمی الترتیب الاداریه، بیروت، بی تا، جلد ۱،

ص ۲۰۲.

۲۸- ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مرکز انتشارات

علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱، جلد ۲، ص ۴۷.

۲۹- ابو عبید القاسم بن سلام، کتاب الاموال، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰، ص ۳۰، طبری، پیشین، ج

۲، ص ۲۹۳.

۳۰- طبری، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۶ - ۲۹۵، عز الدین بن اثیر، الکامل فی تاریخ، داراحیاء التراث

العربی، بیروت، ۱۴۰۸، جلد ۱، ص ۵۹۳.

۳۱- ابن اثیر، پیشین، ج ۱، ص ۵۹۱.

۳۲- همان

۳۳- همان

۳۴- همان

۳۵- همان

۳۶- همان

۳۷- ابن سعد، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۹۱

۳۸- همان، ص ۲۹۸.

۳۹- به عنوان مثال پیامبر منطقه عقیق را به طایفه بنی عقیل دادند و سند آن را هم نوشتند، همان،

ص ۳۰۲

۴۰- ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۵.

۴۱- همان

۴۲- رک کنید، به علی بن حسینعلی الاحمدی، پیشین، مجلدات اول تا سوم، محمد حمید الله،
و نائق، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۶۵، ص ۹۴.

۴۳- ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۴۹.

۴۴- همان، ج ۳، ص ۵۱-۵۲، ۱۹۹-۲۱۳.

۴۵- همان، ج ۳، ص ۲۸۶-۲۴۵.

۴۶- همان، ص ۳۳۰-۳۲۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی